

دو فصلنامه بین المللی تحقیقات حقوق قضایی

License Number: ۸۶۲۲۷ Article Number: ۷۴N۵۱۲۴۸۸۱۱۲ ISSN-P: ۲۷۱۷-۱۱۳۲

جایگاه پرونده‌ی شخصیت در حقوق کیفری و عدالت قضایی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۳/۱۷، تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۰۸/۱۲)

دکتر حسین یاراحمدی^۱

روژین مسعودی قازیار

چکیده

شخصیت مجرمانه، نقش بسزایی در محاکمات قضایی و تعیین مجازات دارد. پرونده شخصیت متهم در آیین دادرسی کیفری، از ابداعات قانون آیین دادرسی کیفری جدید است که قانون گذار، دستور به تشکیل آن توسط بازپرس را در برخی جرائم، نظیر جرائمی که متهم آن ها، اطفال و نوجوانان بوده یا مجازات آن ها مجازات سالب حیات یا قطع عضو است، الزامی می داند. تشکیل پرونده شناسایی شخصیت یکی از پدیده های بزرگ قرن بیستم است که قبلاً تحت تاثیر عقاید دانشمندان در مورد اطفال بزهکار مورد توجه قرار گرفت و وارد قلمرو حقوق جزا و قوانین کیفری گردید. در ایران تشکیل پرونده شخصیت اصولاً پس از محکومیت است نه در مرحله اتهامی. در حقوق ایران قانون گذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ از جمله در مواد ۱۸ و ۶۴ و ۷۷ اشاره به شخصیت مجرم نموده است. قانون گذار، صرفاً در برخی جرائم، تشکیل پرونده شخصیت متهم را الزامی می داند و این جرائم را در قانون آیین دادرسی کیفری و در مواد ۲۰۳ و ۲۸۶ این قانون، پیش بینی کرده است. در مقاله حاضر قصد داریم به بررسی و شناخت جایگاه پرونده ی شخصیت در حقوق کیفری و عدالت قضایی بپردازیم.

واژگان کلیدی: پرونده شخصیت، دادرسی کیفری، شخصیت مجرم، دادرسی عادلانه

^۱ نویسنده مسئول

بخش اول: بررسی و شناخت واژه شخصیت

"گوردن آلپورت" روان‌شناس آمریکایی در سال ۱۹۳۷، قریب به ۵۰ معنی برای شخصیت یافته بود و تعریف خود او چنین است: «شخصیت سازمان‌دارکی زنده، انفعالی و با تحرک روان و تن آدمی است که موجب سازگاری او با محیط می‌شود.» دکتر طریقتی معتقد است: «شخصیت عبارت است از تمامیت یک موجود واحد انسانی و مجموعه‌ی تفکیک‌ناپذیر آن چنان خصائص بدنی و نفسانی که شناخته‌دوستان نزدیک شخص است.» دکتر نوربها معتقدند که تمامیت جسمی و روانی فرد شخصیت وی را تشکیل می‌دهد. مقصود از تمامیت تکامل نیست بلکه منظور آن است که فرد پس از عبور از دوران بلوغ و رسیدن به سن تکلیف اجتماعی که عرف نیز به آن صحنه می‌گذارد به حد کافی از رشد جسمی و روانی رسیده و به عنوان شخصی دارای جایگاه اجتماعی معین شده است، به عبارت دیگر می‌تواند دارای مسئولیت اخلاقی در ارتباط با دیگران بشود. شخصیت یک مفهوم کلی و انتزاعی است و متخصصان تعاریف متفاوتی برای آن ذکر کرده‌اند. معنای لغوی شخصیت از معنای اصطلاحی آن متفاوت است و واژه‌ی شخصیت اصطلاحی است که در علوم مختلف معانی متفاوتی دارد. در تعریف لغوی آن به شرافت، رفعت، بزرگواری، مرتبه و درجه اشاره شده است. روان‌شناسان نیز تعاریف مختلفی از شخصیت ارائه نموده‌اند. از جمله گفته‌اند: سازمان‌پویایی از سیستم‌های روان- تنی فرد است که رفتارها و افکار خاص او را تعیین می‌کند. هم‌چنین شخصیت را الگوی منحصر به فرد صفات شخصیتی می‌دانند و معتقدند که شخصیت امکان‌پیش‌بینی آن چه را که فرد در موقعیتی خاص انجام خواهد داد، فراهم می‌کند. برخی نیز مدعی‌اند که تعریف جامعی از شخصیت که عمومیت داشته و مورد قبول همگان باشد، وجود ندارد. در اصطلاح حقوقی، «شخص» کسی که موضوع حق قرار می‌گیرد، مانند انسان شرکت‌های تجاری، انجمن‌های خیریه و دولت. بنابراین شخص حقیقی یعنی انسان که آن را شخص طبیعی هم می‌نامند؛ و شخص حقوقی همان شرکت‌های تجاری را در بر می‌گیرد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴: ۳۷۸). «شخصیت» در اصطلاح حقوقی «عبارت از قابلیت در انسان است که بتواند در جامعه دارای تکلیف و حق گردد و آن را به واسطه یا بدون واسطه



اجرا نماید» (امامی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۱۶۶). در یک جمع‌بندی می‌توان گفت شخصیت به مجموعه‌ای از احساسات، افکار، هیجانات و انگیزه‌های شخصی گفته می‌شود که در تعامل شخص با دیگران نمایان می‌شود. روان‌شناسان معتقدند که هیچ دو نفری دقیقاً شخصیت یکسانی ندارند و به عبارت دیگر شخصیت افراد منحصر به فرد و در عین حال دارای خصوصیات مشترک است.

بخش دوم: نگاهی به پرونده ی شخصیت بزه کار

حقوق جزای کلاسیک که بر مبنای افکار سزار بکاریای ایتالیایی و با انتشار کتاب «رساله ی جرایم و مجازات‌ها» در سال ۱۷۶۴ پایه گذاری گردید، یک حقوق جزای «جرم مدارانه» بود؛ سزار بکاریا در کتاب خود، حقوق کیفری را از نظر شکلی و ماهوی طراحی کرد. در این دوران حقوق کیفری عمومی، دارای نهادهایی مانند تعدد جرم و تکرار جرم گردید و جرایم حسب شدت و ضعف مجازات‌ها طبقه بندی شدند. آیین دادرسی کیفری نیز به نوبه ی خود، انواع دادگاه‌ها، صلاحیت و تشریفات رسیدگی به آنها را با توجه به انواع جرایم تعیین نمود. در این دوران، شخصیت بزه کار چندان مورد مطالعه قرا نگرفت و واکنش‌های اجتماعی در مقابل پدیده ی مجرمانه، تحت تاثیر تفکرات فلسفی بنیان‌گذاران مکتب کلاسیک، سازماندهی شد، لیکن با پیدایش مکتب تحقیقی ایتالیایی و انتشار کتاب «انسان بزه کار» سزار لومبروزو در نگرش نسبت به مجرم و پدیده-ی مجرمانه، یک انقلاب به وجود آورد؛ با ظهور این مکتب و به دنبال آن تولد علم «جرم‌شناسی» توجه همگان به شخصیت بزه کار جلب شد. حقوق کیفری شکلی و ماهوی نیز تحت تاثیر یافته‌های جرم‌شناسی و اندیشه‌های مجرم مدارانه به طور اساسی متحول شد و نهادهایی چون تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، کیفیات مخففه و رژیم‌های مختلف اجرای مجازات‌های سالب آزادی با توجه به شخصیت بزه کار وارد قلمرو حقوق کیفری گردید.

از دیدگاه مکتب تحقیقی، مجرم به سان میکروب اجتماعی است که لازم است جامعه را از لوث وجود او پاک کرد و برای این کار باید با توسل به اقدامات تأمینی (و نه تربیتی)، که عاری از هرگونه شرایط و ملاحظات اخلاقی یا حقوقی است، اجتماع را از شر این میکروب مصون نمود. از این حیث، نیازی به تناسب اقدام



تأیینی با جرم ارتكابی نیست و حتی اتخاذ اقدام تأیینی منوط به وقوع جرم نمی باشد، بلکه احراز حالت خطرناک در فرد کفایت می کند.

«اقدامات تربیتی» در صورتی مجرا و مبنای صحیحی دارند که افعال مجرم یا خطاکار از روی آزادی اراده و اختیار انجام گرفته باشد. از نظر مکتب «تحقیقی»، که مجرمان را افرادی مجبور و فاقد اراده می داند، آموزش و تربیت مجرم منتفی می گردد و تنها کاری که می توان در مقابل این افراد انجام داد، آن است که با توسل به یک سلسله اعمال تأیینی از قبیل زندانی کردن و یا حذف مجرم، جامعه را از خطر آنان ایمن نمود. (حسینی، ۱۳۹۲: ۲۳).

مکتب تحقیقی در مخالفت با نظریه ی کلاسیک و با استناد به تحقیقات جامعه شناختی انریکو فری، معتقد بود آنچه برای جامعه ایجاد خطر می کند، حالت خطرناک مجرم است، نه عمل ارتكابی. مکتب دفاع اجتماعی نوین با این تفکیک میان «رفتار ارتكابی» و «مجرم» مخالفت نموده و محاکمه ی توأمان «جرم و مجرم» را پیشنهاد نموده است؛ چرا که کیفیت و نوع عمل ارتكابی، نشان دهنده ی شخصیت بزه کار است. دفاع اجتماعی رفتار بزه کارانه را تظاهر شخصیت انسان می داند؛ انسانی که مسئولیت پذیر است و این مسئولیت در شخصیت او فردیت یافته است و به اعتبار همین مسئولیت است که می توان بزه کار را به درجاتی مورد مواخذه قرار داد (اردبیلی، ۱۳۹۰: ج ۱). این مکتب، بزه کاری را پدیده ای انسانی و اجتماعی می داند و معتقد است باید واقعیت فرد انسان مورد توجه قرار گیرد. لذا بر تشکیل پرونده ی شخصیت تأکید می کند و معتقد است که قضاوت درباره ی بزه کار باید جایگزین قضاوت درباره ی بزه شود.

در واقع تحت تأثیر یافته های این مکاتب و خصوصاً مکتب دفاع اجتماعی جدید، پرونده ی شخصیت در قوانین آیین دادرسی کیفری بسیاری از کشورها پیش بینی گردید که از آن جمله می توان به ماده ی ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه مصوب ۱۹۹۳ و قوانین ۱۹۴۹ ایالات کولوراد و نیویورک آمریکا و قانون جزای ۱۹۵۱ بلغارستان اشاره کرد (رحیمی نژاد، ۱۳۸۷: ۲۴۵-۲۴۶).

بخش سوم: مقایسه افتراقی پرونده ی شخصیت و پرونده ی کیفری

پرونده ی شخصیت حاوی سوابق تحصیلی، روان پزشکی، خانوادگی، وضعیت



سنی و شغلی و موقعیت اجتماعی متهم است، اما پرونده ی کیفری سوابق کیفری فرد، ارکان جرم، دفعات ارتکاب جرم و مستندات حقوقی را دربر می گیرد. هدف اصلی پرونده ی شخصیت، فردی کردن تصمیم دادگاه و مقامات دادسرا به ویژه در صدور قرارهای تأمین و قرار تعلیق تعقیب و انطباق آن با شخصیت مجرم است. (حسینی، ۱۳۹۲: ۲۴)

قضات دادگاه و دادسرا می توانند به هر وسیله ای که لازم بدانند مبادرت به تشکیل پرونده ی شخصیت نمایند. برای این منظور قاضی باید آگاهی های جرم شناسی فراحقوقی و فراکیفری داشته باشد. تشکیل پرونده ی شخصیت به ویژه در خصوص اطفال و نوجوانان بزه کار اهمیت بیشتری دارد؛ به طوری که ماده ی ۱۶ از مجموعه حداقل قواعد سازمان ملل برای دادرسی ویژه ی اطفال، بر ضرورت تشکیل پرونده ی شخصیت جز در مورد اتهامات جزیی اطفال و نوجوانان، در طول جریان تحقیقات و دادرسی تصریح نموده است. پرونده ی شخصیت، حاوی گزارشی از اظهار نظر متخصصان روان شناسی کودک، پزشک، روان کاو و مددکار اجتماعی، در زمینه ی وضعیت روحی و روانی جسمی و شرایط و موقعیت خاص اجتماعی و خانوادگی اطفال و نوجوانان تحت پیگرد قضایی است. ضرورت تشکیل این پرونده از آن جهت است که قاضی می تواند با مطالعه و بررسی آن، به وضعیت کودک یا نوجوان تحت پیگرد اشراف یابد تا عکس العملی متناسب با شخصیت او اتخاذ نماید.

بخش چهارم: محاسن تشکیل پرونده ی شخصیت

تشکیل پرونده ی شخصیت تا حدودی تضمین کننده ی کرامت بشری است. لذا برای آن فوایدی را بر شمرده اند. مهم ترین این فواید، نابودی اعمال ضد اجتماعی، جلب اعتماد مردم، رعایت عدالت، ممانعت از تکرار جرم و اصلاح بزه کار است.

بند اول: اتخاذ تصمیم منطقی و کنترل بزه کاری

با احراز عناصر تشکیل دهنده ی جرم، قاضی باید برای بزه کار مجازاتی تعیین نماید تا موجب تنبیه بزه کار و پیش گیری از وقوع جرم شود. بررسی پرونده ی شخصیت و شناخت شخصیت مجرم در تعیین نوع مجازات و انتخاب شیوه ی بازپروری او حائز اهمیت است. یکی از طرق کنترل بزه کاری در مرحله ی نخست شناخت این اعمال است که این عمل به شیوه های مختلفی می تواند انجام شود. یکی از این طرق، شناخت شخصیت بزه کار است؛ زیرا با توجه به اطلاعات کامل و



آگاهی‌های لازم به خوبی می‌توان به این واقعیت واقف شد که چه عواملی زمینه ساز جرم بوده است. نتیجه‌ی چنین تحقیقی آن است که به کلیه‌ی ویژگی‌های بزه کار آشنایی کامل حاصل می‌شود و لذا می‌توان حدس زد که در آینده چه رفتاری خواهد داشت. نکته‌ی مهم تر آن که، پس از شناخت عوامل بزه کاری می‌توان به ارزیابی آنها پرداخت و ضمن مبارزه برای نابودی آنها، عاملی را که بیش از همه نقش ایفا کرده و بر سایر عوامل مسلط بوده است، باز شناخت و در مبارزه‌ی کلی در اجتماع، اقدامات علیه آن را قوی تر و وسیع تر نمود.

بند دوم: جلب اعتماد مردم

فایده‌ی دیگر شناخت بزه کار، جلب اعتماد مردم است. در جوامعی که توجه به جرم ارتكابی و اخذ اقرار است تا بتوان مجازات را اعمال نمود، مردم به دستگاه عدالت بی‌اعتماد می‌باشند؛ زیرا از یک سو مردم و خانواده‌ی زیان دیده از جرم، کیفر تحمیلی را ناچیز می‌پندارند و دستگاه عدالت را به تسامح، اهمال و بی-توجهی متهم می‌کنند و از سوی دیگر بزه کار و خانواده‌ی او آن را غیر انسانی و عاری از روح عدالت خواهی به شمار می‌آورند. در نتیجه همه‌ی مردم با بدبینی و بی‌اعتمادی به دستگاه قضا می‌نگرند و بررسی شخصیت بزه کار به علت کشف حقایق پوشیده و عریان شدن واقعیات موجب می‌شود همه از حکم قاضی راضی باشند؛ به آن احترام بگذارند و به دستگاه عدالت نیز اعتماد نمایند.

بند سوم: رعایت عدالت

مهم ترین هدف رسیدگی به اختلاف، تحقق عدالت و فصل خصومت است. همچنین از بزرگ ترین اهداف جرم شناسی که به صورت ظاهر مطمح نظر دستگاه عدالت نیز می‌باشد، رعایت عدالت به ویژه درباره‌ی بزه کار است. اگر تعبداً پذیرفته شود که هر بدکاری باید به سزای اعمال خود برسد، لاقلاً این امر مورد قبول قرار گرفته است که باید عدالت را در حد کمال در حق او رعایت کرد و اجازه نداد بیش از حد لازم مورد مجازات قرار گیرد. در «عدالت خانه‌های سنتی» که جز گذشته گرایی هدفی ندارد، عدالت رعایت نمی‌شود؛ زیرا بدون آن که شخصیت بزه کار مورد توجه قرار گیرد و عواملی که بر اراده اش تأثیر بخشیده و باعث تبهکاری و آلودگی او شده است در نظر گرفته شود، تنها با تکیه بر مسئولیت و اراده‌ی آزاد و بدون توجه به عوامل خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی، روانی، جسمانی، عاطفی

و مانند آن محکومیت می یابد. (حسینی، ۱۳۹۲: ۲۵).

بند چهارم: پیشگیری از تکرار جرم

با تشکیل پرونده ی شخصیت برای بزه کار، دادگاه می تواند با شناختی که از خصوصیت شخصیتی بزه کار به دست آورده و آشنایی با اوضاع و احوالی که ارتکاب جرم را تسهیل کرده است، تصمیمی اتخاذ کند که بزه کار را از تکرار جرم بازدارد و به این گونه او را خلع سلاح کند (اردبیلی، ۱: ۱۳۹۰). گشودن پرونده ی شخصیت برای بزه کار باعث می شود که تدابیر صحیح و اصولی اتخاذ شود و مقدمات بازگشت او به اجتماع فراهم شود.

بند پنجم: اصلاح بزه کار

در اجرای احکام کیفری به ویژه مجازات حبس، چون هدف مجازات اصلاح و تربیت بزه کار تلقی شده است، به کارگیری دست آوردهای جرم شناسی پرهیز ناپذیر است. تعیین سیاستی که مطابق با آن هر یک از بزه کاران بتوانند توانایی های از دست رفته ی خود را بازیابند و بازآموزی شوند، بدون شناخت کامل آنها ممکن نیست. بخش پذیرش در هر زندان وظیفه ی تشخیص شخصیت زندانی را بر عهده دارد. پرونده ی شخصیت که حاوی اطلاعاتی درباره ی میزان سلامت جسمانی و روانی بزه کار و توانایی های فنی و علمی او است، برای طرح در اختیار شورایی به نام شورای طبقه بندی قرار می گیرد. با آشنایی که به این ترتیب از خصوصیات محکومان به دست می آید، کارگزاران زندان می توانند نسبت به درمان، اشتغال به کار و اعزام آنها به یکی از انواع زندان ها و مؤسسات تأمینی و تربیتی تصمیم نمایند (مواد ۴۷، ۶۴ و ۶۵ آیین نامه ی سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۸۴).

بخش پنجم: جایگاه پرونده ی شخصیت در حقوق کیفری

در نظام کیفری ایران، در مراحل کشف جرم، تحقیقات مقدماتی، تعقیب مجرم و مرحله ی صدور حکم، پرونده ی شخصیت به صورت مستقل از پرونده ی کیفری تشکیل نمی شود و قانون گذار به رغم آنکه در مواد متعدد قاضی را مکلف به توجه به شخصیت متهم نموده، لیکن الزامی به تشکیل پرونده ی شخصیت پیش بینی نکرده است. در نظام حقوقی ایران، تنها در مرحله ی اجرای مجازات حبس به



منظور شناسایی زندانیان جهت طبقه بندی آنان، تشکیل پرونده ی شخصیت ضروری است. به عبارت دیگر در ایران تشکیل پرونده ی شخصیت اصولاً پس از محکومیت است، نه در مرحله ی اتهامی، اما قضات دادگاه ها در مقام صدور حکم با توجه به سؤال هایی که از متهم می نمایند، به طور نسبی و به صورت غیر حرفه ای شناخت شخصیت متهم را مد نظر قرار می دهند.

بند اول: مقررات مربوط به پرونده ی شخصیت پیش از پیروزی انقلاب اسلامی

۱- برابر ماده ی ۷ قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزه کار مصوب ۱۳۳۸: «چنان چه درباره وضع مزاجی یا روحی طفل یا ابوین او یا وضع خانوادگی و محیط معاشرت طفل لازم شود، دادگاه اطفال می تواند تحقیقات مزبور را خود یا به هر وسیله دیگری که مقتضی بداند، انجام دهد و یا نظر اشخاص صلاحیت دار را جلب کند...». تبصره ی این ماده مقرر می دارد: «برای انجام تحقیقات مذکور و همچنین به منظور اداره امور مربوط به کانون اصلاح و تربیت وزارت دادگستری می تواند از مددکاران اجتماعی که دارای گواهینامه ی آموزش خدمات اجتماعی باشند، استفاده نماید...».

۲- قانون گذار ایران برای تشخیص حالت خطرناک مجرمان به منظور اعمال اقدامات تأمینی و تربیتی در خصوص آنان به موجب ماده ی ۱ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۳۹ و برای تشخیص درجه ی خطرناکی مجرم به منظور اتخاذ تصمیم پیرامون ضرورت نگه داری یا معالجه در تیمارستان مجرمان، به موجب ماده ی ۴ همان قانون، شناخت شخصیت متهم را الزامی دانست.

۳- پس از تصویب قانون موقتی اصول محاکمات جزایی، ضمن اصلاحاتی که به عنوان قانون تسریع دادرسی و اصلاح قسمتی از قوانین آیین دادرسی کیفری و کیفر عمومی، در بهمن ماه سال ۱۳۵۲ به عمل آمد، با وضع و تصویب ماده ی ۴۰ مکرر و دو تبصره ی آن، در بیان تکالیف و اختیارات مدعی العموم پیرامون تعقیب کیفری بزه کار، احکام جدیدی را پیش بینی نمود و برای نخستین بار تأسیس حقوقی با اهمیتی را با عنوان «تعقیب تعقیب» انشا کرده و به رسمیت شناخت. ماده ۴۰ مکرر و دو تبصره ی آن الحاقی ۱۳۵۲، چنین اشعار می دارد: «در امور جنحه هرگاه متهم اقرار به ارتکاب جرم نماید و این اقرار حسب محتویات پرونده



مقرون به واقع باشد، در صورتی که دادستان با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق زندگی و روحیه متهم و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده تعلیق تعقیب را مناسب بداند می تواند، با احراز شرایط زیر تعقیب کیفری او را معلق و پرونده را به دادگاه جنحه ارسال نماید:

۱. موضوع اتهام از جرایم مندرج در باب دوم قانون کیفری عمومی نباشد.

۲. متهم سابقه محکومیت مؤثر نداشته باشد.

۳. شاکی خصوصی در بین نبوده یا گذشت کرده باشد.

دادگاه جنحه در صورتی که قرار تعلیق را تأیید نماید، قرار قطعی است در غیر این صورت، طبق مقررات به موضوع اتهام رسیدگی خواهد شد. هرگاه درباره متهم قرار تأمینی صادر شده باشد، پس از قطعیت قرار تعلیق، قرار تأمین ملغی الاثر خواهد شد.

تبصره ۱: قرار تعلیق کیفری در دفتر مخصوص در اداره سجل کیفری ثبت می شود. در صورتی که متهم ظرف سه سال از تاریخ صدور قرار تعلیق، مرتکب جنحه یا جنایتی شود نسبت به اتهام سابق نیز با رعایت مقررات تعدد جرم، مورد تعقیب قرار خواهد گرفت.

تبصره ۲: در مورد تعدد جرم هرگاه جرایم انتسابی توأماً واقع شده باشد، مانع از اجرای مفاد این ماده نیست و در صورتی که یکی از جرایم انتسابی از درجه جنایی باشد، دادستان وقتی می تواند قرار تعلیق در مورد امر جنحه صادر نماید که امر جنایی منتهی به صدور قرار منع تعقیب شده باشد.

این ماده در سال ۱۳۵۶ با تصویب ماده ی ۲۲ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری، دست خوش تغییرات جزئی گردید. مقررات تعلیق تعقیب، به دادستان یا جانشین وی این اختیار را داده است که در جرایم جنحه به استثنای جنحه های باب دوم قانون مجازات عمومی (یعنی جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی مملکت که مقررات آنها در حال حاضر در فصل اول از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ پیش بینی گردیده است) در صورت اجتماع شرایط و فقدان موانعی بتواند تعقیب کیفری متهم را تعلیق نماید. بدیهی است در صورت عدم تنبه متهم و ارتکاب جرم جدید از درجه ی جنحه یا جنایی ظرف سه سال از تاریخ



صدور قرار تعلیق تعقیب، دادگاه باید ضمن رسیدگی به جرم جدید، با الغای قرار تعلیق تعقیب کیفری نسبت به اتهام سابق نیز اتخاذ تصمیم نماید. نظام تعلیق تعقیب کیفری در آیین دادرسی کیفری ایران با طرح نظرات مخالف و موافقی از سوی اساتید و نویسندگان حقوقی همراه بود که خارج از موضوع بحث ما است. (رحیمی نژاد، ۱۳۸۶: ۱۸۹).

بند دوم: جایگاه پرونده ی شخصیت در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مواد متعددی قضات را مکلف نموده به شخصیت متهم توجه نمایند. این مواد عبارتند از:

۱- طبق ماده ی ۱۸ این قانون، قاضی در زمان صدور حکم، سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی را در نظر می گیرد.

۲- به موجب ماده ی ۲۳ برای تعیین مجازات تکمیلی، قاضی ناگزیر به شناخت شخصیت متهم است.

۳- برای تشخیص مجازات مناسب تر به حال متهم به منظور اعمال کیفیات مخفیه ی موضوع ماده ی ۳۷ این قانون، قاضی باید نسبت به شخصیت متهم آگاهی یابد.

۴- صدور قرار معافیت از کیفر موضوع ماده ی ۳۹ و قرار تعویق حکم موضوع ماده ی ۴۰ نیز منوط به شناخت شخصیت متهم است.

۵- شناخت شخصیت متهم و بررسی وضعیت اجتماعی و سوابق زندگی وی و اوضاع و احوال منتهی به ارتکاب جرم، برای صدور قرار تعلیق مجازات الزامی است.

۶- به منظور اعمال مقررات آزادی مشروط، شناخت شخصیت متهم برای پیش بینی این موضوع که وی پس از آزادی مجدداً مرتکب جرمی نخواهد شد، الزامی است.

۷- به موجب ماده ی ۶۴ برای تعیین مجازات جایگزین حبس، قاضی مکلف به شناخت شخصیت متهم است.

۸- شناخت شخصیت طفل یا نوجوان برای صدور حکم و همچنین حین تجدیدنظر در حکم صادره برابر مواد ۸۸ و ۹۰ الزامی است.

۹- برای احراز توبه متهم و سقوط مجازات، شناخت شخصیت متهم الزامی است.



۱۰- برای تشخیص بیم تجری مرتکب به منظور اعمال مجازات تعزیری در مواردی مثل مواد ۶۱۲ و ۶۱۴ قانون تعزیرات، شناخت شخصیت متهم الزامی است.

بند سوم: جایگاه پرونده ی شخصیت در قانون آیین دادرسی دادگاه های

عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸

۱- ایجاد محدودیت در آزادی های شخصی و اموال افراد پیش از صدور حکم قطعی از مرجع صلاحیت دار، خلاف اصل برائت و مخل احترام به آزادی های فردی است، ولی ضرورت رعایت حقوق بزه دیدگان، حفظ نظم، رعایت موازنه بین حقوق متهم و بزه دیده و در نهایت اجرای عدالت، قانون گذار را بر آن داشته که اجازه ی ایجاد چنین محدودیت هایی را در مورد متهم در قالب صدور قرار تأمین بدهد و برای پیشگیری از افراط و تفریط از عبارت «تناسب تأمین» یاد کرده است.

ماده ی ۱۳۴ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مقرر می دارد: «تأمین باید با اهمیت جرم و شدت مجازات و دلایل و اسباب اتهام و احتمال فرار متهم و از بین رفتن آثار جرم و سابقه متهم و وضعیت مزاج و سن و شخصیت او متناسب باشد».

۲- برابر مواد ۲۲۲ و ۲۲۴ قانون موضوع بحث، در رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان قاضی مکلف به شناخت شخصیت آنان است. به موجب ماده ی ۲۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری «چنانچه درباره وضعیت روحی و روانی طفل یا ولی و سرپرست قانونی او یا خانوادگی و یا معاشرت وی تحقیقاتی لازم باشد، دادگاه می تواند به هر وسیله ای که مقتضی بداند آن را انجام دهد و یا نظر اشخاص را جلب نماید».

این مقرر به صورت ضمنی اجازه ی تشکیل پرونده ی شخصیت را در مورد طفل یا نوجوان بزه کار به دادگاه اطفال داده است؛

چند ایراد مهم بر این مقررات وارد است:

نخست، در ماده ی ۲۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، برخلاف ماده ی ۷ قانون تشکیل دادگاه های اطفال بزه کار مصوب ۱۳۳۸، به ضرورت تحقیق در خصوص وضعیت جسمانی و خصوصیات زیست شناختی طفل اشاره ای



نشده است و بدین ترتیب اطلاعات جمع آوری شده در پرونده ی شخصیت، ممکن است ناقص باشد؛

دوم، قانون گذار در تمامی این مقررات با قید عبارت هایی مانند «چنانچه لازم باشد» و «دادگاه می تواند»، تشکیل پرونده ی شخصیت را اختیاری اعلام نموده است.

سوم، تشخیص اقتضای تخفیف مجازات در جرایم غیرقابل گذشت به استثنای گذشت شاکی خصوصی پس از قطعیت حکم و تقاضای محکوم علیه برابر ماده ی ۲۷۷ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، نیاز به شناخت شخصیت متهم دارد.

بخش ششم: جایگاه پرونده ی شخصیت در آیین نامه ی سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۸۴

در نظام حقوقی ایران تنها در مرحله ی اجرای مجازات حبس، به منظور شناسایی زندانیان جهت طبقه بندی آنان، تشکیل پرونده ی شخصیت ضروری شناخته شده است. به موجب ماده ۴۷ آیین نامه اجرایی سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۸۴ در هر زندان قسمتی به نام پذیرش و تشخیص به منظور شناخت شخصیت زندانی پیش بینی شده که وظیفه تهیه و تنظیم پرونده شخصیت بزه کار را به عهده دارد. همچنین حسب ماده ۶۳ این آیین نامه «در هر مرکز حرفه آموزی و اشتغال یا زندان قسمتی به نام تشخیص به منظور شناخت شخصیت زندانیان و طبقه بندی آن ها، با استفاده از خدمات کارشناسان متخصص تشکیل می گردد که تهیه و تنظیم و نگه داری پرونده شخصیتی زندانی به شرح مواد بعدی به عهده این قسمت است». طبق ماده ۶۴ «محکومان حداکثر دو ماه در قسمت پذیرش و تشخیص تحت آزمایش های پزشکی، روان پزشکی، آزمون های روان شناسی و شناخت شخصیت و استعداد قرار گرفته و میزان سلامت جسمانی و روانی و معلومات و اطلاعات مذهبی و علمی و فنی آنان از جهت شناخت شخصیت بررسی و تعیین می گردد. مددکاران اجتماعی طبق موازین اسلامی در خصوص سوابق زندگی تحقیقات لازم به عمل آورده، گزارش کاملی از گذشته محکوم از دوران طفولیت تا زمان تنظیم گزارش در



محیط های مختلف خانوادگی، تحصیلی، محلی، حرف های و غیره را با اظهار نظر خود تهیه می نمایند. در انقضای مدت اقامت زندانی در قسمت پذیرش و تشخیص، کلیه گزارش های متخصصین در پرونده او متمرکز می شود تا در شورای طبقه بندی مطرح شود». با توجه به اختیاری بودن تشکیل پرونده ی شخصیت در مرحله ی تحقیقات مقدماتی و رسیدگی در دادگاه، چند سوال قابل طرح است:

۱- چگونه ممکن است قاضی بدون مطالعه درباره ی شخصیت بزه کار، حکم عادلانه و منصفانه صادر کند؟

۲- آیا تشخیص ممیز بودن یا نبودن طفل و هم چنین تشخیص بلوغ که از لحاظ آثار حقوقی حائز اهمیت است، بدون تشکیل پرونده ی شخصیت ممکن است؟

۳- آیا تعیین مقدار تأمینی و تربیتی متناسب بدون مطالعه ی خصوصیات زیست شناختی و روانی و اجتماعی طفل بزه کار میسر است؟

۴- آیا تشخیص متناسب بودن نوع «تامین» صاره با وضعیت مزاجی و روحی و حیثیتی متهم، که برابر ماده ی ۱۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری برای قاضی یک تکلیف است، بدون تحقیق درباره ی شخصیت بزه کار ممکن است؟

۵- آیا پیشگیری از بزه کاری و به ویژه پیشگیری زود رس از بزه کاری اطفال و نوجوانان که باید چند مبنایی باشد، بدون مطالعه در شخصیت ممکن است؟

بخش هفتم: جایگاه پرونده ی شخصیت در قانون آیین دادرسی کیفری جدید

۱- الزام بازپرس به تشکیل پرونده ی شخصیت: در این قانون مقنن برای نخستین بار بازپرس را مکلف کرده تا در پرونده های مهم دستور تشکیل پرونده ی شخصیت بدهد. طبق ماده ی ۲۰۳ قانون، در جرایمی که مجازات قانونی آن ها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه ی چهار و بالاتر است و همچنین در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه ی آن ها ثلث دیه ی کامل مجنی علیه یا بیش از آن است، بازپرس مکلف است حین تحقیقات، دستور تشکیل پرونده ی شخصیت متهم را به واحد مددکاری اجتماعی صادر نماید. این پرونده که به صورت مجزا از پرونده ی عمل مجرمانه تشکیل می شود،



حاوی گزارش مددکار اجتماعی در خصوص وضع مادی، خانوادگی و اجتماعی متهم؛ و گزارش پزشکی و روان پزشکی است.

۲- الزام به تشکیل پرونده ی شخصیت برای اطفال و نوجوانان: طبق ماده ی ۲۸۶، افزون بر موارد مذکور در ماده ی ۲۰۳، در جرایم تعزیری درجه های پنج و شش نیز، تشکیل پرونده ی شخصیت در مورد اطفال و نوجوانان توسط دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان الزامی است.

۳- به موجب بند «ج» ماده ی ۲۷۹، درج خلاصه ی پرونده ی شخصیت یا وضعیت روانی متهم در کیفرخواست الزامی است.

۴- به موجب بند «ج» ماده ی ۱۳، برای احراز توبه ی متهم به منظور صدور قرار بایگانی پرونده موضوع ماده ی ۸۰ قانون و نیز برای صدور قرار تعلیق تعقیب موضوع ماده ی ۸۱، ارجاع جرایم تعزیری درجه های شش، هفت و هشت به میانجی گری موضوع ماده ی ۸۲، صدور قرارهای تامین موضوع مواد ۲۵۰ و ۲۱۷، برای صدور قرارهای نظارتی موضوع ماده ی ۲۴۷ و ۲۵۰، بازپرس ناگزیر از شناخت شخصیت متهم است.

با توجه به اهمیت تشکیل پرونده ی شخصیت در تضمین دادرسی عادلانه و منصفانه، در کشورهای دارای نظام حقوقی پیشرفته، به ضرورت این اقدام در مراحل مختلف دادرسی کیفری توجه شده است. در نظام دادرسی کیفری ایران، پرونده ی شخصیت و ضرورت تشکیل آن، به ویژه در مرحله ی تحقیقات مقدماتی و پیش از محکومیت، آن گونه که باید مورد توجه قرار نگرفته است. البته در عمل قضات به بررسی پیرامون شخصیت متهم در مراحل تحقیقات مقدماتی و دادرسی می پردازند، اما تنها در مرحله ی نهایی یعنی اجرای حکم است که تشکیل پرونده ی شخصیت الزامی است. این در حالی است که تشکیل چنین پرونده ای در تمامی مراحل دادرسی کیفری و حداقل در جرایم مهم از درجه ی جنایی، ضروری به شمار می رود و تنها از این طریق است که امر تشخیص شخصیت و کشف عوامل جرم زا و نحوه ی برخورد با آنها محقق می گردد. بنابراین ضروری است که قانون گذار حداقل در جرایم مهم، تشکیل پرونده ی شخصیت را اجباری اعلام کند.

نتیجه گیری

در جمع بندی پایانی موضوع پژوهش حاضر باید گفت پرونده شخصیت متهم یکی از نوآوری های قانون آیین دادرسی کیفری سال ۹۲ است که در برخی از جرائم مهم، به طور الزامی، باید تشکیل شود. این پرونده، متاثر از دیدگاه های جرم شناختی، به قلمرو آیین دادرسی کیفری ایران، وارد شده است و هدف آن، شناخت بیشتر متهم، وضعیت روانی، اجتماعی و در کل، سوابق زندگی او و تاثیر آن ها، در جرم ارتكابی می باشد. همچنین متأسفانه در قوانین کیفری فعلی ایران تشکیل پرونده شخصیت برای گروه های بزرگسالان پیش بینی نشده است اما در قانون جدید آ.ک.د در ماده ۲۰۳ مقرر شده «در جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه ۴ و بالاتر است و همچنین در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها ثلث دیه کامل مجنی علیه یا بیش از آن است، بازپرس مکلف است در حین تحقیقات دستور تشکیل پرونده شخصیت متهم را به واحد مددکاری اجتماعی صادر نماید. این پرونده که به صورت مجزا از پرونده عمل مجرمانه تشکیل می گردد حاوی مطالب زیر است:

الف) گزارش مددکار اجتماعی در خصوص وضع مادی، خانوادگی و اجتماعی متهم.

ب) گزارش پزشکی و روان پزشکی

همانطور که مشاهده می گردد در این قانون تشکیل پرونده شخصیت در راستای اصل فردی کردن مجازات جدی گرفته شده و مقنن برای اولین بار بازپرس را مکلف به تشکیل چنین پرونده ای نموده است و جهت انجام این امر بخش مددکاری اجتماعی تأسیس گردیده که در آن مددکاران آموزش دیده و آشنا به مسایل، قوانین و گردش کار سیستم قضایی موظف به تشکیل چنین پرونده ای شده اند. با توجه به اینکه عوامل متعددی در شکل گیری شخصیت بزهکارانه نقش دارد، لذا گامی بزرگ در جهت تضمین هر چه بهتر حقوق متهمان بالاخص متهمان زن برداشته می شود و با تشکیل پرونده شخصیت قاضی بهتر می تواند رأی عادلانه و واکنش متناسب را نسبت به بزهکار اتخاذ نماید.



منابع و مأخذ

الف) کتب

- آشوری، م.، ۱۳۷۶، عدالت کیفری، تهران، انتشارات گنج دانش.
- آشوری، بشیریه، هاشمی، یزدی، ۱۳۸۴، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف، عدالت، تهران، انتشارات گرایش، ج اول.
- انسل، م.، ۱۳۷۵؛ دفاع اجتماعی، ترجمه آشوری، محمد؛ نجفی ابرند آبادی، علی حسین؛ جلد دوم، انتشارات دانشگاه تهران.
- حسنی، ع.، ۱۳۵۸، حقوق زن در ایران و اسناد بین المللی، انتشارات گنج دانش.
- حلی، ش. ج.؛ شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و حرام، انتشارات استقلال، جلد چهارم.
- دانش، ت. ا.؛ ۱۳۸۲، مجرم کیست، جرم شناسی چیست، انتشارات کیهان.
- عبادی، ش.؛ ۱۳۸۱، حقوق زن در قوانین جمهوری اسلامی ایران، انتشارات گنج دانش.
- کاتوزیان، ن.، ۱۳۷۶؛ فلسفه حقوق، جلد دوم، نشر میزان.
- کشاورز، ب.؛ ۱۳۷۶، مجموعه محشای قانون تعزیرات، نشر گنج دانش.
- گیدنز، آ.؛ ۱۳۷۴، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی.
- موسوی خمینی، ر. ا.؛ تحریر الوسیله، قم، موسسه نشر اسلامی، جلد دو.
- مهرپور، ح.؛ ۱۳۷۱، حقوق بشر در اسناد بین المللی، جلد یک، انتشارات اطلاعات.
- مهرا، ن.، ۱۳۸۴، زن و حقوق کیفری، انتشارات انجمن ایرانی حقوق جزا.
- میر محمد صادقی، م.؛ ۱۳۷۷، حقوق جزای بین الملل، انتشارات میزان.
- معتمدی، غ. ر.؛ بشیری، ع.؛ باقری، س.؛ ۱۳۷۷، قوانین و مقررات به زنان در ایران، نشر ققنوس.
- نصیری سوادکوهی، ۱۳۸۰، فتوت، زن و حقوق انسانی، انتشارات برگ زیتون.
- نظریات اداره حقوقی قوه قضاییه در زمینه مسائل کیفری، جلد یک، روزنامه رسمی، سال ۱۳۷۳ مجموعه کنوانسیون های بین المللی.



ب) مقالات

- آخوندی، م.، ۱۳۷۹، اثبات جرایم، فصلنامه کتاب، سال ششم/ شماره ۲۲، زمستان.
- اردبیلی، م. ع.؛ سقط جنین ناشی از زنا به عنف، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۳۹.
- اردبیلی، م. ع.، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، تهران، میزان، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۹۰.
- امامی، ح.، ۱۳۸۳، حقوق مدنی، جلد چهارم، تهران، اسلامیه.
- حاجی تبار، فیروزجایی، ح.؛ جایگاه جایگزین های حبس در نظام عدالت کیفری ایران (حال و آینده)، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- حسینی، س. ر.، ۱۳۹۲، جایگاه پرونده شخصیت در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و لایحه ی آیین دادرسی کیفری، ماهنامه دادرسی، شماره ۱۰۱.
- حسینی، س. م.، ۱۳۸۳، «سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، سمت، چ اول.
- رحیمی نژاد، ا.، ۱۳۸۷، روش تفسیر در قوانین کیفری، قم، تبیان.
- سازمان ملل متحد و ۲۵ سال تلاش برای بهبود وضعیت زنان، فصلنامه ریحانه، شماره ۵، بی تا.
- طالع زاری، ع.، ۱۳۹۲، میانجی گری کیفری، ساز و کارهای دیرین حل و فصل منازعات، ماهنامه دادرسی، شماره ۱۰۱، سال هفدهم.
- مجموعه مقالات- کوشا، جعفر؛ حقوق جزای اختصاصی، جزوه آموزشی دوره قضات، ۱۳۸۰.
- میر بک، پ.، خبرگذاری ایسنا، به نقل از مشاور اجتماعی استاندار خوزستان...
- نجفی ابرنآبادی، ع. ح.؛ تقریرات درس جرم شناسی (بزه دیده شناسی) دانشگاه شهید بهشتی، بی تا.
- نجفی ابرنآبادی، ع. ح.، هاشم بیگی، ح.، ۱۳۷۷، دانشنامه جرم شناسی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، چاپ نخست.